

«کندی»، فیلسوفی خودآموخته

۱۲ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۲:۵۶

به تعبیر شهید مطهری، تاریخ از هیچ فیلسوفی به عنوان استاد کندی یاد نمی‌کند بلکه اساساً در آن وقت فیلسوفی در محیط کندی وجود نداشته است، بنابراین فیلسوفی کندی از خودش آغاز می‌شود.

ابو یوسف، یعقوب بن اسحق کندی به فیلسوف عرب معروف است اما در عین اینکه از شهرت عظیمی برخوردار است از تاریخ ولادت و وفاتش اطلاع دقیقی در دست نیست.

«لئوئی ماسینیون» تاریخ وفات او را سال ۲۴۶ هجری و تحقیقات ابوریحانه و شیخ مصطفی عبدالرزاق به این نتیجه انجامید که سال ۲۵۲ هجری باید سال وفات او باشد. مختصری از زندگینامه کندی را براساس کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی» به قلم اسحاق حسینی کوهساری می‌خوانیم:

نسب او به قبیله «کنده» می‌رسد، پدر و جدش به ترتیب فرماندار کوفه و بصره و به تعبیر ابن ابی اصیبعه، کندی نزد مأمون و معتصم و پسرش امیراحمد، مقامی ارجمند داشت. در روزگار متوکل عباسی، یعنی سال‌های ۲۳۲ تا ۲۴۷ هجری، آن رنجی که بر دیگران و به ویژه بر فرقه معتزله (از جریان‌های کلامی اهل سنت) رسیده بود، او را هم بی‌نصیب نساخت. لذا کتابخانه شخصی او هم به تاراج رفت و مصادره شد.

*مذهب کندی

شهرزوری در نزهة الارواح می‌گوید: بعضی می‌گویند که او یهودی بوده و مسلمان شد و برخی گفته‌اند: نصرانی بود. به تعبیر شهید مطهری برخی از اینکه نامش یعقوب، نام پدرش اسحاق و کنیه‌اش ابویوسف است، او را یهودی پنداشته‌اند. ولی امروزه در اثر تحقیقات به عمل آمده روشن شده که اولاً: ارزش فلسفی کندی بیش از آن بوده است که قبلاً تصور می‌شد. ثانیاً مسلمانی پاک‌اعتقاد، مدافع و احتمالاً شیعی بوده و به واسطه موقعیت علمی و اجماعی مورد حسد بوده است و ذکر نسبت‌های ناروا درباره او، مولود آن حسادت‌هاست.

شهید مطهری احتمال شیعه بودن کندی را از کتاب «فلاسفة الشیعه» اثر شیخ عبدالله نعمه نقل می‌کند ولی از مجموعه آثارش می‌توان گفت: بدون شک ایشان فیلسوفی عالی‌قدر و با ایمان و نویسنده‌ای تواناست و از نظر فکری نیز به طرز تفکر شیعه و از میان فرقه‌های اهل سنت به معتزله نزدیک‌تر است.

*خصوصیات اخلاقی

تذکره‌نویسان او را به بخل نسبت داده‌اند. اخباری از خست او آورده شده است نویسندگان از قبیل ابن ابی اصیبه نیز سخنانی در توجیه و ستایش صرفه‌جویی به او نسبت داده‌اند که شاید ریشه در مورد حسد بودن او داشته باشد.

*فیلسوفی کندی از خودش آغاز شد

به تعبیر شهید مطهری تاریخ از هیچ فیلسوفی به عنوان استاد کندی یاد نمی‌کند بلکه اساساً در آن وقت فیلسوفی در محیط کندی وجود نداشته است. لذا فیلسوفی کندی از خودش آغاز می‌شود.

ابن ندیم می‌گوید: کندی در معرفت علوم قدیم، فاضل دهر و یگانه عصر خود بود.

شهرزوری می‌گوید: کندی مهندس بود و در غوامض علوم، بسیار شهره و تصانیف بسیار دارد.

کوربن بر این اعتقاد است او نمونه فیلسوفانی را مصور می‌سازد، مانند فارابی و ابن رشد و خواجه نصیر و بسیاری دیگر از آن قبیل که دید جهانی داشته‌اند.

*تالیفات

از بخت بد خیلی از آثار کندی از بین رفته ولی خوشبختانه حدود ۲۹ رساله از رسائل او را هلموت ریتز، مستشرق آلمانی در کتابخانه ایاصوفیا یافت و محمد عبدالهادی ابوریده آنها را تحت عنوان رسائل الکندی «الفلسفیه» منتشر ساخته است. با این حال براساس آنچه ابن ندیم و قفطی نقل کرده‌اند، بیش از دویست و چهل و دو اثر داشته است و برخی هم دویست و هفتاد اثر را به او نسبت داده‌اند که شامل هشت رساله در موسیقی، ۲۳ رساله در نجوم، ۲۶ رساله در هندسه و ... است.

کندی درباره ضرورت فلسفه گفته است: هیچ کس نمی‌تواند ضرورت چنین جستجویی را انکار کند، زیرا اگر قبول کند، پس ضروری است و اگر امتناع کند، باید دلایل امتناع خود را اقامه کند و خود اقامه دلیل به منزله ضروری بودن آن است. به قول ارسطو هیچ

کس نمی‌تواند بدون توسل به فلسفه، از فلسفه امتناع کند.

ابومعشر بخلی بر او طعن می‌کرد و مردم را بر علیه او می‌شوراند. کندی کسی را بر او گماشت تا او را با فلسفه آشنا کند، ابومعشر فریفته فلسفه شد و بدین طریق کندی نه تنها از شر او در امان ماند بلکه او را فریفته فلسفه ساخت.

کندی اثبات وجود خدا را بر تناهی زمان و تناهی حرکت مبتنی می‌داند چرا که تناهی زمان و حرکت ما را به حدوث عالم و حدوث عالم ما را به وجود صانع رهبری می‌کند بر این اساس هر چه در جهان است، متحرک است.

کندی معتقد بود، شریف‌ترین قسم فلسفه علم، به ذات احدیت است. جهان آفریده خداست. فعل خداوند به واسطه عوامل و وسایط بسیار است و کمال حقیقت به عقل متعلق است. نفس ما بین عقل الهی و عالم مادی قرار دارد که از حیث طبیعت مصدر افعال است. کندی تصریح نکرده است که آیا نفس قبل از بدن موجود است - چنانکه افلاطون می‌گوید - یا اینکه با جسم آفریده می‌شود - چنان که مسلمانان معتقدند؟ او می‌گوید: ما در این جهان مانند کاروانی هستیم که از پل یا معبری می‌گذریم و در این جا درنگی نخواهیم داشت.

او در تقسیم قوای نفس می‌گوید: افلاطون قوه شهوانی انسان را به خوک، قوه غضبیه را به سگ و قوه عقلانی را به پادشاه تشبیه می‌کند کسی که قوه شهوانی بر او چیره شود، مانند خوک است و آن که قوه غضبیه بر او غالب باشد به سگ می‌ماند و کسی که قوه عاقله چیره‌ترین قوای او باشد انسان است که بیش از هر چیز دیگر به حضرت باری تعالی نزدیک است.

کندی کتاب‌هایی را در زمینه علوم غریبه مخصوصاً احکام نجوم تألیف کرده است و آنچه مایه کمال شگفتی است این که با کیمیا مخالف بوده است یکی از معروف‌ترین آثار احکام نجومی وی رساله‌ای است که در آن طول مدت خلافت عباسیان را براساس محاسبات احکام نجومی حساب کرده است.

منبعفارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۸۳۰۹/ک-۵-فلسوف-ند-۲۸۳۰۹>